فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/ سال چهارم/ شماره ۱٤ / تابستان ۹۱/ صفحات ۸۷-٦۷

بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری شرطی و کاهش سود

احمد خدامی پور*
رحیمه مالکی نیا**

تاریخ دریافت:۹۰/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه‌ی بین میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود آتی می‌باشد. در این پژوهش برای محاسبه‌ی محافظه‌کاری شرطی اعمال شده، از معیار اقلام تعهدی غیرعملیاتی گیولی و هاین استفاده شده است. در این پژوهش که دوره‌ی زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ را دربر می گیرد، فرضیه‌ها با استفاده از داده‌های برگرفته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در چارچوب مدل‌های رگرسیونی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

نتایج پژوهش حاکی از این است که رابطه‌ی منفی و معنادار بین محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود آتی وجود دارد. علاوه براین یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین محافظه‌کاری شرطی و واکنش بازار به اخبار خوب و بد شرکت‌هاست. همچنین وجود رابطه‌ی معنادار بین اندازه شرکت و درجه‌ی اهرم مالی آن، با بازده غیرعادی شرکت نیز ثابت گردید.

* دانشیار حسابداری، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) Email: khodamipour@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری، کرمان، ایران. Email: reyhan.m1365@gmail.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

واژه های کلیدی: محافظه‌کاری، محافظه‌کاری شرطی، سود

۱- مقدمه

مدیران، مسئولان تهیه‌ی صورت‌های مالی هستند. صورت‌های مالی نمادی از عملکرد شرکت و مدیر آن می باشند. لذا واضح است که انگیزه‌هایی برای مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت و تهیه‌ی خوشبینانه صورت‌های مالی وجود دارد. وجود ابزارهای پیشگیرانه برای ارتقای کیفیت اطلاعات موجود در صورت‌های مالی شرکت‌ها لازم است. یکی از این بازارها رعایت محافظه‌کاری در تهیه‌ی صورت‌های مالی است. محافظه‌کاری، درپیش‌گرفتن رویه‌ای بدبینانه در شرایط ابهام است. محافظه‌کاری را به دو نوع محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی تفکیک نموده‌اند. آن بخش از محافظه‌کاری که در این نوشتار مدنظر است، محافظه‌کاری شرطی است. این نوع محافظه‌کاری در دوره‌ی پس از شناسایی اولیه‌ی دارایی‌ها اعمال می‌شود، و سبب تغییر در خالص دارایی‌ها به‌تناسب اخبار اقتصادی می‌گردد.

در این مقاله، رابطه‌ی بین محافظه‌کاری شرطی اعمال‌شده توسط شرکت‌ها با کاهش سود آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. درواقع هدف، بررسی این موضوع است که آیا محافظه‌کاری شرطی به‌واسطه رابطه‌اش با کاهش یا افزایش سود آتی، منافعی بار سهامداران دارد یا خیر؟ بنابراین در این پژوهش به دو سوال اساسی پاسخ داده خواهد شد. آیا بین محافظه‌کاری شرطی و احتمال کاهش سود آتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟ و اینکه آیا تغییر در میزان محافظه-کاری شرطی شرکت‌ها ، واکنش بازار سهام به افزایش یا کاهش سود آنها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد؟

در ادامه، به بررسی مبانی نظری و آزمون فرضیه‌های مرتبط با سوالات پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری

ابهامات حاکم بر محیط اقتصادی و عدم امکان پیش‌بینی قطعی آینده، ایجاب می‌کند که در تهیه اطلاعات مالی احتیاط شود درواقع محافظه‌کاری، ترجیح بدبینی بر خوش‌بینی در نگرش به رویدادها در شرایط ابهام است. کمیته فنی حسابرسی (۱۳۸۱) در تعریف محافظه‌کاری که آن را احتیاط نامیده است، بر شرایط ابهام تاکید نموده و بیان می‌کند که: احتیاط عبارتست‌از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش‌از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتراز واقع ارائه نشوند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

در ادبیات حسابداری محافظه‌کاری را به دو بخش مجزا تفکیک نموده‌اند: محافظه‌کاری بدون توجه به شرایط یا اخبار اقتصادی آتی (محافظه‌کاری غیرشرطی) و محافظه‌کاری وابسته به اخبار اقتصادی (محافظه‌کاری شرطی). محافظه‌کاری شرطی بیانگر تاخیر زمانی در شناسایی سودها نسبت به شناسایی زیان‌است. درواقع انگیزه اصلی برای اعمال محافظه‌کاری شرطی، خنثی نمودن انگیزه مدیران برای ارائه اطلاعات حسابداری غلط و دارای جانبداری رو به‌بالا در مواقعی است که رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده باشد.

دیمیتروپولوس و استریو[1] (۲۰۰۸) با ارجاع به بال و همکاران[2] (۲۰۰۰)، عنوان می‌کنند که منبع محافظه‌کاری حسابداری ممکن است در این حقیقت نهفته باشد که سرمایه‌گذاران به خوبی قانونگذاران و شاید بیشتر از آنها، در مورد رسیدن اخبار بد بیشتر از اخبار خوب نگران بودند تا بتوانند نواحی مشکل را کشف کرده و تصمیمات سرمایه‌گذاری عقلایی بگیرند. همچنین حسابداران دریافتند که اخبار بدی که از مدیریت واحد تجاری دریافت می‌شود، باورکردنی‌تر (محتمل تر) از اخبار خوب است.

اتریدیس[3] (۲۰۱۱) اظهار می‌دارد که مدیران ممکن است به گونه ای فرصت‌طلبانه، انگیزه داشته باشند تا دارایی ها و سود را بیشتر و بدهی ها را کمتر بیان نمایند، تا پاداش خود را افزایش داده و نمای مالی شرکت و چشم‌انداز مالی آتی آنرا بهبود بخشند. درحالی که محافظه-کاری به کم نمایی دارایی‌ها و سود و خنثی‌نمودن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، متمایل است.

باسو[4] (۱۹۹۷) در تعریف محافظه‌کاری شرطی اضافه می‌کند که محافظه‌کاری عبارتست‌از تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای اخبار خوب در مقابل اخبار بد. تعریف باسو بر این دلالت دارد که که اخبار بد یا همان زیان‌ها حتی با قابلیت تایید کم نیز در دوره جاری شناسایی شوند و لذا سود دوره جاری با اخبار بد اقتصادی همبستگی بیشتری دارد. ولی اخبار خوب اقتصادی یا همان سودها تا دوره‌های بعد که قابلیت تایید لازم را کسب نمایند، شناسایی نخواهند شد و شناسایی آنها به دوره‌های آتی موکول می‌شود، لذا سود دوره های آتی با اخبار خوب هبستگی بیشتری دارد.

لارا و دیگران[5] (۲۰۱۰)، بیان می‌کنند که محافظه‌کاری شرطی به عنوان یک مکانیزم حاکمیتی عمل می‌کند که برای هر دو گروه؛ اعتباردهندگان و سرمایه‌داران، مفید است و ارزش

[1] .Dimitropoulos & Asteriou
[2] .Ball, et al.
[3] .Itridis
[4] .Basu
[5] .Lara, et al.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

شرکت را افزایش می‌دهد. علاوه‌براین، لافوند و واتس[1] (۲۰۰۸)، استدلال کرده‌اند که؛ انتظار می‌رود که محافظه‌کاری شرطی « عدم تقارن اطلاعاتی کمتری بین مدیران و سرمایه‌گذاران برون سازمانی » داشته باشد و « گزارش‌های مالی محافظه‌کارانه، احتمالاً یک بازار سرمایه مطلع‌تر ایجاد می‌کند».

سود، یکی از مهمترین شاخص‌های حسابداری است که همواره برای مقاصد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر به دنبال ورشکستگی شرکت‌های عظیم دنیا، پژوهشگران و تحلیل‌گران مالی با بررسی وقایع مربوط به ورشکستگی این شرکت‌ها، متوجه شدند که دلیل اصلی این وقایع؛ دستکاری سود و گزارش سودهای واهی و بی‌کیفیت می‌باشد (دستگیر و دیگران، ۱۳۸۸).

در فرایند اندازه‌گیری سود، هم از اقلام قطعی نظیر درآمد فروش و هم اقلام برآوردی نظیر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول استفاده می‌شود. درواقع همین برآوردها روزنه‌ای برای دستکاری سود باز می‌کنند. لذا مدیران، هم انگیزه و هم توانایی دستکاری سود را دارند؛ زیرا به لحاظ اینکه از سود به عنوان مبنایی برای سنجش عملکرد مدیر و همچنین اغلب برای محاسبه پاداش و مزایای آنها، استفاده می‌گردد، مدیران برای بیش‌نمایی سود، انگیزه دارند. بنابراین خوشبینانه است، اگر تصور نماییم که در غیاب روش‌های بازدارنده مدیریت از دستکاری سود، رقم سود گزارش‌شده با سود واقعی، یکی خواهد بود. اگرچه تمامی اخبار بد و پنهان‌کاری مدیران، سرانجام آشکار خواهد شد. اما در آن زمان، دیگر این اطلاعات به‌موقع و با ارزش نیستند و حتی ممکن است که همین پنهان‌کاری‌ها به ورشکستگی شرکت بیانجامد. بنابراین وجود ابزارهای پیشگیرانه برای ممانعت از آزادی مدیران در دستکاری صورت‌های مالی، ضروری است. یکی از مهمترین این ابزارها، محافظه‌کاری شرطی است؛ زیرا محافظه‌کاری شرطی با شناسایی زود هنگام اخبار بد و شناسایی تاخیری اخبار خوب مدیران را وادار خواهد کرد تا اطلاعات خصوصی‌شان درمورد اخبار بد را، آشکار نمایند (کیم وپزنر[2]، ۲۰۱۰).

بنابراین انتظار می‌رود، شرکت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بالاتری اعمال می‌نمایند، اخبار بد کمتری برای افشا و منتشر شدن در دوره‌های بعد، داشته باشند. و لذا احتمال انتشار اخبار بد در مورد آنها کم است؛ زیرا چنین شرکت‌هایی پیشاپیش، اخبار بد را شناسایی نموده و پنهان‌کاری نکرده‌اند تا مجبور شوند که در دوره‌های آتی، اخبار بد بیشتری را افشا نمایند. در نتیجه انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که میزان محافظه‌کاری شرطی آنها بالاتر است، با احتمال

[1] .La Fond & Watts
[2].Kim & Pevzner

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

کمتری سرمایه‌گذاران را با اخبار بد آتی برای مثال کاهش سود آتی، شگفت‌زده کنند؛ زیرا اغلب اخبار بد گذشته و جاری، به واسطه اعمال محافظه‌کاری شرطی، قبلاً شناسایی شده‌اند، و انتظار نمی‌رود در آینده خبری بد موجب کاهش سود گردد.

از طرف دیگر بنا به اظهار کیم و پزنر (۲۰۱۰) انتظار می‌رود که بازار اطلاعاتی را که از طریق صورت‌های مالی شرکت‌های محافظه‌کار منتشر می‌شود، صحیح‌تر و با جانبداری کمتری دریافت خواهد کرد، درحالی که اطلاعات شرکت‌های کمتر محافظه‌کار، با جانبداری خوش‌بینانه به بازار تحویل داده می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که واکنش بازار به اخبار خوب و بد شرکت‌ها به تناسب میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده توسط آنها متفاوت باشد.

یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و احتمال کاهش سود تاثیرگذار باشد، مضیقه مالی شرکت هاست. اگر شرکتی به ورطه‌ی ورشکستگی افتد، روند سودآوری شرکت نزولی می‌شود و حتی ممکن است به زیاندهی شرکت منجر گردد. یافته‌های پژوهش جبارزاده کنگرلوئی ودیگران (۱۳۸۸) نشان داد که، مدیران تجاری در مراحل مختلف درماندگی مالی، برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی و عملکرد شرکتشان و حفظ خود در بازار سرمایه، از طریق ابزارهایی که دراختیار دارند؛ دست به اقداماتی می‌زنند که به هموارسازی سود منجر می‌شود. لذا اثر این متغیر و سایر متغیرهایی که در ذیل آمده است، کنترل شده است.

یکی از معیارهای صلاحیت مدیران برای کسب بازده از دارایی‌های موجود نرخ بازده دارایی‌هاست. اگر بخشی از پاداش مدیران به سود حسابداری مربوط باشد؛ مدیران انگیزه دارند تا با استفاده از روش‌های غیرمحافظه‌کارانه سود را افزایش دهند تا پاداش خود را حداکثر نمایند، این اقدام مدیران به افزایش نرخ بازده دارایی‌ها می‌انجامد. از سوی دیگر شرکت‌هایی که ریسک بالاتری دارند، تمایل کمتری به افزایش سود نقدی دارند؛ زیرا مدیران مطمئن نیستند که بتوانند در آینده به این پرداخت‌ها ادامه دهند. بدیهی است که هرقدر ریسک شرکتی بالاتر باشد، احتمال تغییر سود آن بیشتر است.

در مورد اندازه شرکت، برخی صاحبنظران همچون واتس و زیمرمن[1] (۱۹۷۸)، معتقدند که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچکتر، هزینه‌های سیاسی بیشتری می‌پردازند. در نتیجه، این شرکت‌ها انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه‌ی سود کمتر خواهند داشت. لیکن برخی افراد چون لوبو و ژو[2] (۲۰۰۶)، در پژوهش خود بیان کرده‌اند که شرکت‌های بزرگ، به‌دلیل پیچیدگی در فعالیت‌ها و عملیات و همچنین عدم‌امکان رسیدگی از سوی استفاده‌کنندگان اطلاعات،

1. .Watts & Zimmerman
2. .Lobo & Zhu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

فرصت‌های بیشتری برای ارائه بیش از واقع سود دارند (عرب‌صالحی و ضیایی، ۱۳۸۹). علی‌رغم اختلاف نظرها اندازه، متغیری تاثیرگذار بر سود شرکت و همچنین میزان محافظه‌کاری آنهاست.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری که نشان‌دهنده‌ی درجه فزونی ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری خالص دارایی‌هاست، می‌تواند نشانه عدم ثبت برخی از سودها و یا ثبت بیش‌از واقع زیان‌ها باشد، که باعث کاهش سود و در نتیجه افزایش محافظه‌کاری می‌گردد. به قول خان و واتس[1] (۲۰۰۹)، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری مستقیماً با محافظه‌کاری مرتبط است؛ زیرا الزامات نامتقارن تاییدپذیری برای سودها در مقابل زیان‌ها ، یک کم‌نمایی انباشته از خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازارشان، ایجاد می‌کند.

نتایج پژوهش‌های گوناگون تاثیر متفاوتی از نسبت بدهی‌های شرکت ارائه کرده است؛ مثلاً دیفوند و جیامبالو[2] (۱۹۹۴)، از تاثیر بدهی شرکت بر انگیزه‌ی مدیران برای ارائه‌ی نادرست سود، به دلیل نگرانی آنها از جانب موسسه‌های اعتباردهنده، سخن گفته‌اند. در مقابل لارکر و ریچاردسون[3] (۲۰۰۶)، شواهدی از تاثیر مثبت بدهی‌ها بر کیفیت سود ارائه‌شده، به‌دلیل نظارت موثر اعتباردهندگان و تامین‌کنندگان غیر سهامدار شرکت، ارائه کرده‌اند (عرب‌صالحی و ضیایی، ۱۳۸۹).

۳- پیشینه‌ی پژوهش

چن ، لین و استرانگ[4] (۲۰۰۹) دریافتند که محافظه‌کاری غیرشرطی، با کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری و هزینه‌های سرمایه پایین‌تر همبستگی دارد. و محافظه‌کاری شرطی، با کیفیت پایین‌تر اطلاعات حسابداری و هزینه‌های سرمایه بالاتر همبسته است. کیم و پزنر (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری شرطی بالاتر با احتمال کمتر اخبار بد آتی نظیر کاهش سود، کاهش سود تقسیمی و ... همبسته است. به‌علاوه، شواهد ضعیفی یافتند که بازار سهام به اخبار خوب (بد) شرکت‌های محافظه‌کارتر واکنش قوی‌تر (ضعیف‌تر) نشان می‌دهد. لارا ، اوسما و پنالوا[5] (۲۰۱۰)، در پژوهشی دریافتند که رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی و متوسط بازده سهام در طول دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۳ وجود دارد. همچنین

[1]. Khan & Watts
[2]. Defond & Jiambalvo
[3]. Larker & Richardson
[4]. Chan, Lin & Strong
[5]. Lara , Osma & Penalva

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه وجود دارد. اتریدیس[1] (۲۰۱۱)، نشان داد که شرکت‌هایی که افشاهای حسابداری با کیفیت بالا را عرضه می‌کنند؛ محافظه‌کاری شرطی بالاتر و محافظه‌کاری غیرشرطی کمتری را نشان می‌دهند. و همچنین اثبات می‌کند که شکل شرطی محافظه‌کاری به طور منفی با شکل غیرشرطی محافظه‌کاری، مرتبط است. کولینان و دیگران[2] (۲۰۱۲)، دریافتند که محافظه‌کاری به‌طور منفی با درصد سهامی که توسط سهامداران عمده نگهداری می‌شود همبسته است و این تاثیر مخصوصا زمانی که درصد مالکیت بالاتر از ۳۰درصد باشد، معنادارتر است. نتایج پژوهش هوی، کلاسا و ینگ[3] (۲۰۱۲)، نشان می‌دهد که چگونه عرضه‌کنندگان و مشتریان قوی شرکت با فرایند حسابداری آن همبسته هستند، این پژوهش همچنین توضیح قراردادی برای محافظه‌کاری حسابداری را حمایت می‌کند. رامالینگگودا و یی[4] (۲۰۱۲)، دریافتند که مالکیت سازمانی بالاتر با گزارشگری مالی محافظه‌کارانه‌تر همبستگی دارد. این همبستگی مثبت در بین شرکت‌های با اختیارات رشد بیشتر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر پررنگ‌تر است.

نتایج پژوهش مران‌جوری و علی‌خانی (۱۳۸۹)، نشان داد که بین محافظه‌کاری و شاخص‌های فرضیه قرداد بدهی در کلیه شرکت‌های مورد بررسی رابطه معناداری وجود ندارد. ستایش و جمالیان‌پور (۱۳۸۹)، دریافتند که اقلام تعهدی غیرعملیاتی که حاصل از اعمال محافظه‌کاری مدیران و حسابداران است، با گذشت زمان تغییر قابل ملاحظه‌ای نداشته است. همچنین، محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی در هردو سطح پژوهش (شرکت و صنعت) وجود داشته است و روند آن نیز صعودی است. رحمانی، اثنی‌عشری و ولی‌زاده (۱۳۹۰)، دریافتند که سود خالص شرکت‌ها محافظه‌کارانه بود و این محافظه‌کاری از محتوای اطلاعاتی سود خالص می‌کاهد. همچنین به‌کارگیری محافظه‌کاری در تهیه اطلاعات حسابداری به کسب بازده بیشتر برای سرمایه‌گذاران منجر نمی‌شود. خالقی‌مقدم و احمدخان‌بیگی (۱۳۹۰)، به این نتیجه رسیدند که درحالی‌که سود خالص شرکت‌ها محافظه‌کارانه است، اما در طول زمان به‌هنگام‌تر و محافظه‌کارانه‌تر نشده است. پورحیدری و غفارلو (۱۳۹۰)، دریافتند که شرکت‌هایی که از طریق بدهی بلندمدت تامین مالی می کنند، نه در دوره تامین مالی و نه در دوره قبل از آن سطح محافظه‌کاری مشروط را کاهش نمی‌دهند؛ اما شرکت‌هایی که از طریق حقوق صاحبان سهام تامین مالی می‌کنند، هم در دوره تامین مالی و هم در دوره قبل از آن، سطح محافظه‌کاری

---

1 .Iatridis
2 . Cullinan, et al.
3. Hui , Klasa & Yeung
4. Ramalingegowda & Yu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند. نتایج پـژوهش هاشـمی، فرهمنـد و شـامیرزائی جشوقانی(۱۳۹۰)، نشان داد که بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه سهام عـادی شـرکت رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین محافظـه‌کـاری شـرطی و هزینـه سـرمایه پرتفوی سهام رابطه مثبتی وجود دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: محافظه‌کاری شرطی بر احتمال کاهش سود آتی، تاثیر منفی و معناداری دارد.

فرضیه دوم: هرچه محافظه‌کاری شرطی بیشتر باشد، واکنش بازار سهام بـه خبـر افـزایش سود آتی (خبر کاهش سود آتی)، قوی‌تر (ضعیف‌تر) است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ روش‌شناسی، در حیطه پژوهش‌هـای شـبه‌تجربـی و پـس‌رویـدادی است؛ که با استفاده از اطلاعات واقعی گذشته انجـام مـی‌گیـرد. در ایـن پـژوهش بـرای آزمـون فرضیه‌ها، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است؛ به‌این ترتیب که بـرای آزمـون فرضـیه‌ی اول از مدل لاجیت، و برای آزمون فرضیه‌ی دوم از روش حداقل مربعات معمولی اسـتفاده شـده است. داده‌های مورداستفاده در این پژوهش از نوع داده‌های ترکیبی می‌باشند. برای برآورد مدل بـا اسـتفاده از داده‌هـای ترکیبـی، دو روش اثـرات ثابـت و اثـرات تصـادفی وجـود دارد. بـرای تصمیم‌گیری درمورد نوع روش، آزمون هاسمن[1] انجام شده است. نتایج حاصل از این آزمون که در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شده است، استفاده از روش اثرات تصادفی را تایید نمود. بـرای طبقه‌بندی و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، به تناسب نیاز از نرم‌افزارهـای Excel و Eviews6 اسـتفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شـرکت‌هـای پذیرفتـه شـده در بـورس اوراق بهادار تهران است که در دوره زمانی ابتدای ۱۳۷۶ تا پایـان ۱۳۸۸ در بـورس مشـغول فعالیـت بوده‌اند؛ درواقع دوره‌ی زمانی این پژوهش از آغاز سال ۱۳۸۱ تـا پایـان سـال ۱۳۸۸ اسـت، امـا برای محاسبه‌ی شاخص محافظه‌کاری از داده‌های ۱۳۷۶ بـه‌بعـد اسـتفاده شـده اسـت. در ایـن پژوهش برای انتخاب نمونه از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است؛ به‌این‌ترتیب کـه بـا توجه به محدودیت‌های اعمال شده، تعدادی از اعضای جامعه حذف شده و مابقی به‌عنوان نمونه

[1].housman

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

انتخاب شدند. در این پژوهش محدودیت‌های زیر اعمال شد، که درنهایت به انتخاب ۵۵ شرکت در قالب ۴۴۰ مشاهده سال – شرکت منجر گردید:

۱- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه بوده و در طول دوره‌ی پژوهش تغییر نکرده باشد.

۲- شرکت‌های نمونه جزء شرکت‌های تامین مالی و بانک‌ها نباشند.

۳- داده‌های مورد نیاز برای محاسبه معیارهای محافظه‌کاری و آزمون فرضیه‌ها را دارا باشند.

۴-۱- روش تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول: . برای مدلسازی احتمال کاهش سود و آزمون فرضیه‌ی اول، از مدل رگرسیونی زیر که توسط کیم و پزنر (۲۰۱۰) مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده شده است:

(۱)

$$\text{Prob (Earn Decr}_{i,t+1} = 1) = \gamma_0 + \gamma_1 \times \text{CONS}_{i,t} + \gamma_2\ \text{EDF}_{i,t} + \gamma_3\ \text{ROA}_{i,t} + \gamma_4\ \Delta\text{EARN}_{i,t} + \gamma_5\ \text{Stdret}_{i,t} + \gamma_6\ \text{MVE}_{i,t} + \gamma_7\ \text{MTB}_{i,t} + \gamma_8\ \text{LEV}_{i,t} + \gamma_9\ \Delta\text{TA}_{i,t+1} + e_t$$

در این مدل، $\text{Earn Decr}_{i,t+1}$ متغیر مجازی کاهش سود است. اگر سود در سال $t+1$ در مقایسه با سال t کاهش یافته باشد؛ این متغیر مساوی با ۱ و در غیراینصورت مساوی۰ می‌باشد. (در این مدل محافظه‌کاری شرطی اعمال شده، متغیر مستقل و مابقی متغیرها کنترلی هستند).

$\text{CONS}_{i,t}$ میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده‌ی شرکت i در سال t است. در این پژوهش، برای محاسبه‌ی میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده از معیار قرینه اقلام تعهدی گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده شده است. بر اساس این مدل جمع اقلام تعهدی ، اقلام تعهدی عملیاتی(سرمایه درگردش) و اقلام تعهدی غیرعملیاتی به شرح ذیل است:

$$\text{ACC}_{i,t} = (\ \text{NI}_{i,t} + \text{DEP}_{i,t}) - \text{CFO}_{i,t} \qquad (۲)$$

که Acc کل اقلام تعهدی ، NI سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه ، DEP هزینه استهلاک و CFO جریان نقدی عملیاتی است.

$$\text{OACC}_{i,t} = (\ \Delta\text{AR}_{i,t} + \Delta\text{I}_{i,t} + \Delta\text{PE}_{i,t}) - (\Delta\text{AP}_{i,t} + \Delta\text{TP}_{i,t}\ ) \qquad (۳)$$

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

OAcc اقلام تعهدی عملیاتی ، ΔAR تغییر در حساب‌های دریافتنی ، ΔI تغییر در موجودی کالا ، ΔPE تغییر در پیش‌پرداخت‌ها ، ΔAP تغییر در حساب‌های پرداختنی و ΔTP تغییر در مالیات‌های پرداختنی است. بنابراین اقلام تعهدی غیرعملیاتی، تفاوت بین کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی عملیاتی یعنی تفاضل دو معادله فوق است :

$$NOACC_{i,t} = ACC_{i,t} - OACC_{i,t} \quad (۴)$$

در این معادله، NOACC اقلام تعهدی غیرعملیاتی است. اقلام تعهدی غیرعملیاتی برای ۵ سال انباشته شده و آنگاه قرینه این اقلام به‌عنوان معیار محافظه‌کاری شرطی استفاده شده است.

اقلام تعهدی عملیاتی از فعالیت‌های مستمر و معمول شرکت ناشی می‌شود. لیکن اقلام تعهدی غیرعملیاتی مثلاً شامل موارد زیر است: افزایش هزینه‌ای که ناشی از تغییر برآوردهاست، سود و زیان فروش دارایی‌ها و سرمایه‌ای کردن مخارج (مشایخی ودیگران، ۱۳۸۸).

$EDF_{i,t}$ شاخص ورشکستگی است و با استفاده از شاخص ورشکستگی که توسط پور حیدری وکوپایی حاجی (۱۳۸۹) ارائه شده است، محاسبه شده است. این شاخص به صورت زیر است:

(۵)

$$P = 3.20784\ K_1 + 1.80384\ K_2 + 1.61363\ K_3 + 0.50094\ K_4 + 0.16903\ K_5 + 0.39709\ K_6 + 0.12505\ K_7 + 0.33849\ K_8 + 1.42363\ K_9$$

که در این مدل، K_1 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها ، K_2 نسبت سود انباشته به مجموع دارایی‌ها ،K_3 نسبت سرمایه درگردش به مجموع دارایی‌ها ، K_4 نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع بدهی‌ها، K_5 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به فروش ، K_6 نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری ، K_7 نسبت سود خالص به فروش ، K_8 نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها و K_9 اندازه شرکت است. نقطه تمیز (Cut off) در این مدل، ۱۵/۸۹۰۷ است. اگر $P < 15.8907$ باشد، در این صورت شرکت دارای بحران مالی است؛ و اگر $P \geq 15.8907$ باشد، شرکت فاقد بحران مالی است. این متغیر برای کنترل مضیقه مالی که به کاهش سود منجر می شود، در مدل شامل شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

سایر متغیرهای کنترلی شامل موارد زیر هستند: $ROA_{i,t}$ بازده دارایی‌های شرکت است و از طریق تقسیم سود خالص بر جمع دارایی‌های اول دوره محاسبه شده است؛ $\Delta EARN_{i,t}$ میزان تغییر سود و برابر تفاوت سود در سال t و t-1 است؛ $Stdret_{i,t}$ انحراف معیار بازده‌های سهام است؛ $MVE_{i,t}$ اندازه شرکت که همان لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت است؛ $MTB_{i,t}$ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌هاست؛ $LEV_{i,t}$ درجه اهرم مالی و از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید و $\Delta TA_{i,t+1}$ تغییر اقلام تهدی سال آتی است، اقلام تعهدی از تفاوت سود و جریان‌های نقدی به‌دست می‌آیند.

مدل آزمون این فرضیه، مدلی لاجیت (لوجستیک) است؛ از آنجا که متغیر وابسته در این مدل متغیر دودوئی است که تنها دو مقدار ۰ و۱ را می‌پذیرد، از این روش رگرسیونی استفاده شده است. این فرضیه درصورتی تایید می‌گردد که ضریب رگرسیونی محاسبه شده برای متغیر محافظه‌کاری شرطی اعمال شده (γ_1) منفی و معنادار باشد.

فرضیه‌ی دوم: در فرضیه‌ی دوم، رابطه‌ی بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد در مورد سود شرکت‌ها با میزان محافظه‌کاری شرطی آنها مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای اندازه‌گیری واکنش بازار از بازده غیرعادی ۵ روزه انباشته شده(۵ روز قبل و ۵ روز بعد از تاریخ اعلان سود خالص) استفاده شده است. برای آزمون این فرضیه از مدل زیر استفاده شده است:

(۶)

$$AR_{(-5,5)} = \beta_0 + \beta_1 \times SURP_{i,t} + \beta_2 \times CONS_{i,t-1} + \beta_3 \times CONS_{i,t-1} \times SURP_{i,t} + \beta_4 \times BAD_NEWS_{i,t} + \beta_5 \times CONSi_{,t-1} \times SURP_{i,t} \times BAD_NEWS_{i,t} + \beta_6 \times CONS_{i,t-1} \times BAD_NEWS_{i,t} + \beta_6 MVE_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + e_{i,t}$$

در این مدل، $AR_{(-5,5)}$ بازده غیرعادی انباشته شده ۵ روزه حول اعلان سود (تاریخ صورت‌های مالی) برای هر سال- شرکت است، که برابر تفاوت بازده واقعی و بازده موردانتظار است و سپس با استفاده از این فرمول انباشته شده است که در این رابطه، e_i بازده غیرعادی روزانه و AR بازده غیرعادی انباشته است.

$$(1+\ _i)\ AR = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n} \qquad (۷)$$

$SURP_{i,t}$ خطای پیش‌بینی سود شرکت i در سال t است که برابر است با:

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

(۸)

$$SURPi,t = \frac{ACTUAL\ \ EARNit - FORECAST\ \ EARNit}{FORECAST\ \ EARNit}$$

در اینجا، $ACTUAL\ \ EARN_t$ سود واقعی شرکت در سال t و $FORECAST\ \ EARN_t$ سود پیش‌بینی شده شرکت برای سال t است.

$CONS_{i,t-1}$ معیار محافظه‌کاری شرطی سال قبل شرکت i در سال t که با استفاده از همان معیار قبل به‌دست آمده است و نهایتاً $BAD_NEWS_{i,t}$ متغیری مجازی است؛ این متغیر مساوی ۱ است اگر SURP منفی باشد و در غیر اینصورت مساوی ۰ می‌باشد. این فرضیه در صورتی تایید می‌گردد که ضریب متغیر $CONS_{i,t-1} \times SURP_{i,t}$ یعنی β_3 مثبت و معنادار و همچنین ضریب متغیر $CONS_{i,t-1} \times SURP_{i,t} \times BAD_NEWS_{i,t,}$ یعنی β_5 منفی و معنادار باشد.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است. میانگین متغیر وابسته مدل اول یعنی کاهش سود، برابر با ۰/۵۸۰۸۶۶ است که اندکی از ۰/۵ بزرگتر است، که نشان می‌دهد تعداد شرکت‌هایی که کاهش سود راتجربه نموده‌اند بیشتر از تعداد شرکت‌هایی است که افزایش سود را تجربه نموده‌اند میانگین متغیر مستقل مدل اول یعنی محافظه‌کاری شرطی اعمال شده، برابر با ۰/۰۰۷۳۴۶- است که تقریباً برابر صفر است؛ و نشان می‌دهد که، تعداد شرکت‌هایی که رویه‌ی محافظه‌کارانه‌تری داشته‌اند با تعداد شرکت‌هایی که رویه‌ی غیرمحافظه-کارانه‌ای داشته‌اند، تقریباً برابر است. متغیر وابسته مدل دوم، بازده غیرعادی است. میانگین این متغیر ۰/۵۹۸۲۸۶ است و نشان می‌دهد که متوسط بازده غیرعادی شرکت‌ها ۰/۶ است. ، لذا می‌توان گفت که بیشترشرکت‌ها بازده غیرعادی مثبت دارند. متغیر مستقل محافظه‌کاری شرطی، دارای میانگین۰/۰۱۲۹۶ است. به نظر می‌رسد که شرکت‌ها در سال‌های گذشته محافظه‌کارتر بوده‌اند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
Earn Decr	۰/۵۸۰۸۷	۱	۱	۰	۰/۴۹۳۹۸
CONS	-۰/۰۰۷۳۴	-۰/۰۲۳۳۷	۳/۲۹۸۱۴	-۴/۶۷۰۲۲۵	۰/۵۹۲۲
EDF	۱۹/۹۵۳۸	۱۹/۵۳۳	۲۷/۴۲۳	۱۳/۸۴۸۶	۲/۶۷۱۲
ROA	۰/۵۴۹۵	۰/۳۸۳۸	۳/۱۵۷۷	-۲/۰۴۲۵	۰/۵۴۴۷۶
ΔEarn	-۰/۰۱۳۲	-۰/۰۱۳۵	۰/۲۸۱	-۰/۳۵۴	۰/۰۶۷
StdRet	۶۴/۲۰۵	۵۶/۹۲	۱۵۰/۹۶	۲۰/۴۴	۳۳/۸۶
MVE	۱۲/۶۶	۱۲/۴۴۷	۱۶/۹۹۹	۹/۴۷۹۶	۱/۵۰۷۷
MTB	۳/۷۸۹۲	۱/۹۷۳۸	۴۲/۰۵۱	۰/۳۰۹۷	۵/۹۶۵۷
LEV	۰/۶۴۴۴	۰/۶۵۶۷	۰/۹۲۷۸	۰/۱۶۸۸۷	۰/۱۴۸
ΔTA	۰/۰۱۹۳	۰/۰۰۲۷	۰/۶۱۳۴	-۰/۳۵۰۹	۰/۱۳۲
$RA_{(-5,5)}$	۰/۵۹۸۳	۱	۷۵/۵۶	-۶۷/۶	۷/۸۵۲۷
SURP	-۰/۰۳۸۹۶	۰	۳/۶۸۹۶	-۹/۰۸۴	۰/۵۹۰۲
$CONS_{t-1}$	۰/۰۱۲۹۶	-۰/۰۱۴۳	۳/۷۹۰۱۹	-۳/۷۰۱۹۶	۰/۵۵۰۸
CONS × SURP	۰/۰۸۵۴۸	۰/۰۰۴۸	۳۵۸۹	-۰/۰۱۹۵	۰/۵۴۸۹
BAD-NEWS	۰/۴۰۹۱	۰	۱	۰	۰/۴۹۲۲
CONS×SURP×BAD-NEWS	۰/۰۴۸۹۴	۰	۱۰/۳۵۸۹	۰	۰/۵۰۶
CONS × BAD-NEWS	-۰/۱۱۳۸	۰	۰	-۳/۷۰۱۹۷	۰/۲۹۷۱

مأخذ: محاسبات نویسنده

۵-۲- نتایج حاصل از آزمون هاسمن

برای برآورد مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی وجود دارد. برای تصمیم‌گیری درمورد نوع روش، آزمون هاسمن انجام می شود. نتایج حاصل از آزمون هاسمن که در جدول ۲ ارائه شده است، استفاده از روش اثرات ثابت را پیشنهاد می‌کند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول ۲ : نتایج آزمون هاسمن برای مدل دوم

خلاصه‌ی آزمون	آماره‌ی کای دو	درجه آزادی آماره‌ی کای دو	p-value
اثرات تصادفی مقطعی	۱/۸٤۲٤٦۱	٦	۰/۹۳٦۳

مأخذ: محاسبات نویسنده

قابل ذکر است که در این پژوهش برای آزمون مانایی داده‌ها، از آزمون لوین لین و چو[1] استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون که در جدول ۲ ارائه شده است، نشان می‌دهد که داده‌های تمامی متغیرهای پژوهش مانا می‌باشند.

۵-۳- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول در جدول (۳) ارائه شده است. لازم به‌ذکر است که، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB) که در این مدل گنجانده شده است، به‌عنوان کنترلی برای محافظه‌کاری غیرشرطی محسوب می‌شود. ضریب رگرسیونی برآورد شده‌ی متغیر محافظه‌کاری شرطی(cons) منفی و در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد، و بیانگر این است که با افزایش میزان محافظه‌کاری شرطی، احتمال کاهش سود کاهش می‌یابد و با کاهش میزان محافظه‌کاری شرطی، احتمال کاهش سود افزایش می یابد. این نتیجه با ادبیات پژوهش مطابقت دارد؛ زیرا همانطور که قبلاً بیان شد، اعمال محافظه‌کاری شرطی باعث می‌شود تا اخبار بد شرکت به شیوه‌ای به‌هنگام شناسایی شوند و از انتشار ناگهانی آنها پیشگیری می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود؛ شرکت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بالاتری اعمال می‌نمایند، اخبار بد کمتری برای افشا شدن در دوره‌های آتی داشته باشند و لذا احتمال انتشار اخبار بد درمورد آنها کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه‌ی اول مورد تایید قرار می‌گیرد. این نتیجه با نتیجه به‌دست‌آمده توسط کیم وپزنر(۲۰۱۰) مطابقت دارد.

سایر نتایج حاکی از وجود رابطه‌ی معناداری بین شاخص ورشکستگی (EDF)، بازده دارایی‌ها (ROA)، انحراف معیار بازده‌ها (StdRet) و اندازه‌ی شرکت (MVE) با متغیر وابسته است، که به ترتیب در سطوح ۹۹٪، ۹۵٪، ۹۰٪ و ۹۹٪ معنادار هستند. اما برای سایر متغیرهای کنترلی رابطه‌ی معناداری یافت نشد. برای این مدل، McFadden R-Square (R^2) برابر با ۰/۹۶۴۰۴ است. R^2 مک فادن شبیه R^2 گزارش شده در مدل‌های رگرسیون خطی است و نشان دهنده‌ی این است که حدود ۹۶٪ درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای

[1] .Levin,Lin &Chu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

مستقل توضیح داده می‌شود. (LR-Statistic) Probability ، همان P-Value آماره‌ی LR است که شبیه P-Value آماره‌ی F است. و چون در این مدل برابر ۰ است، می‌توان گفت که مدل در سطح ۹۹٪ معنادار است.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول

متغیر	علامت موردانتظار	ضریب	z آماره‌ی	p-value
CONS	-	-۳۵۰/۹۰٤۵	-۳/۱۸۰۲۱٤	۰/۰۰۱۵
EDF	±	-۲/۳٤۵۳	-۳/۲۵۵٦	۰/۰۰۱۱
ROA	±	۳/٤۵۵۲۸	۲/٤۳۲۱۰٤	۰/۰۱۵
ΔEarn	±	۳/٤۷۳۹۷	۰/۵۳۷۷۸	۰/۵۹۰۷
StdRet	+	۰/۰۲٤۵۵٤	۱/۷۸۲۱٦	۰/۰۷٤۷
MVE	-	۳/٤۲۸٤	۳/۱۷۱۰۸	۰/۰۰۱۵
MTB	-	-۰/۰٤۱۵۷۵	-۱/۰٤۹٦۷	۰/۲۹۳۹
LEV	-	-۳/۳۹٦۱۸	-۰/۹۱۸۸۸	۰/۳۵۸۲
ΔTA	±	-۰/۸٦٦٦۷۳	-۰/۲۹۷۹٦	۰/۷٦۵۷
c		۲/۵۸۵۳۸۱	۰/۵۹۱۰۳٦	۰/۵۵٤۵
McFadden R-Squared : ۰/۹٦٤۰٤۰				
LR statistic : ۵۷۵/۵۷۹۵		probability : ۰/۰۰۰		

مأخذ: محاسبات نویسنده

۵-۴- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، شرایط لازم برای پذیرش این فرضیه (مثبت و معنادار بودن ضریب β_3 و منفی و معنادار بودن ضریب β_5) وجود ندارد ، درنتیجه فرضیه‌ی دوم پژوهش رد می‌شود. بنابراین می‌توان استدلال نمود که بین محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و خطای پیش‌بینی سود با بازده غیرعادی رابطه‌ی خطی معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نتیجه‌ی به‌دست آمده توسط کیم و پزنر(۲۰۱۰) مطابقت دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول ٤: نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	t آماره‌ی	p-value
SURP		-۰/٦۷۸٥	-۰/٥۳۹٥	۰/٥۸۹۸
$CONS_{t-1}$		-۰/٤۰۳۰	-۰/۳٤۲۳۹۷	۰/۷۳۲۲
BAD-NEWS		-۲/۸۳۱۷٥	-۲/۹۷٦	۰/۰۰۳۱
CONS × SURP	+	۰/٥۰۲۳	۰/۲۰۸۰	۰/۸۳٥۳
CONS × SURP× BAD - NEWS	-	-۱/۱٥۳	-۰/۳٦٦	۰/۷۱٤٥
CONS × BAD-NEWS		-۰/۰٦۸۳۹	-۰/۰۳٦٤۷	۰/۹۷۰۹
c		۱/۷٤۱۲۳	۳/۲٥٦	۰/۰۰۱۲
R^2 : ۰/۰۲٥	Adj R^2 : ۰/۰۱۱٤		D.W : ۲/۰٤٥۹٥	
F : ۷/۲٤٥٤	F(p-value): ۰/۰۲۹			

مأخذ: محاسبات نویسنده

R^2 برای این مدل برابر با ۰/۰۲٥ است و گویای این است کـه تنهـا ۳٪ از تغییـرات متغیـر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود، و حدود ۹۷٪ از تغییـرات متغیـر وابسـته تحت تاثیر متغیرهای دیگری است. آماره‌ی F محاسبه شده بـرای ایـن مـدل۷/۲٤٥٤ اسـت، و P-Value برای آماری F برابر ۰/۰۲۹ است که نشان می‌دهد کـه مـدل بـرآورد شـده در سـطح اطمینان ۹٥٪ معنادار می‌باشد. همچنین مقدار آماره‌ی دوربین واتسون برابر ۲/۰٤٥۹٥ است، از آنجا که مقدار این آماره برای مدل تقریباً برابر با ۲ است، لذا در سطح اطمینان بالایی می تـوان تایید نمود که مدل دچار خودهمبستگی نمی‌باشد.

۵-۵- نتایج حاصل از آزمون فروض رگرسیون

۱) بین مقدار خطاها همبستگی وجود نداشته باشد. چـون آمـاره‌ی دوربـین واتسـون تقریبا برابر ۲ می‌باشد، لذا با اطمینان بسیار بالایی می‌توان گفت که بین خطاهـای مدل همبستگی وجود ندارد.

۲) معادله رگرسیون برآورد شده بایستی معنادار باشد. آماره‌ی F به‌دست آمـده بـرای مدل‌های پژوهش، در سطح اطمینان ۹٥٪ نشان می‌دهد که معادله‌های رگرسـیون برآورد شده معنادار می‌باشند.

۳) میانگین خطاها صفر باشد. درصورتی که یک جمله‌ی ثابـت در رگرسـیون داشـته باشیم، این فرض هرگز نقض نمی شود. لذا به‌علت وجود عرض‌از مبـدا ایـن فـرض نقض نشده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۴) توزیع خطاها نرمال باشد؛ یعنی میانگین خطاها صفر و انحراف معیار آنها برابر یک باشد. ازآنجا که در این مدل میانگین خطاها تقریباً برابر ۰ و انحراف معیار آنها تقریباً برابر ۱ بود، لذا می‌توان ادعا نمود که توزیع خطاها نرمال است.

۵) عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل. به‌عنوان یک قاعده می‌توان ضریب همبستگی کمتر از ۰.۵ بین هرزوج متغیرهای مستقل را قابل‌قبول دانست، و نگران هم‌خطی نبود. این پژوهش نیز به این‌علت که ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل هر مدل کمتر از ۵۰٪ است، می‌توان نگران هم‌خطی نبود.

۶- نتیجه‌گیری

براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، می‌توان گفت که رابطه‌ی منفی و معنادار بین میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود وجود دارد. بنابراین شرکت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بیشتری اعمال می‌کنند، احتمال کاهش سود آتی آنها کمتر است؛ زیرا بیشتر اخبار بد را در دوره‌ی جاری شناسایی نموده و درنتیجه احتمال انتشار ناگهانی اخبار بد درمورد آنها کمتر است.این نتیجه با ادبیات پژوهش سازگار است؛ زیرا مشخصه اصلی محافظه-کاری شرطی، شناسایی زودهنگام اخبار بد و شناسایی تاخیری اخبار خوب است. ازاین‌رو اعمال محافظه‌کاری شرطی باعث می‌شود تا اخبار بد شرکت به شیوه‌ای به‌هنگام شناسایی شده و از انتشار ناگهانی آنها پیشگیری شود.

درواقع محافظه‌کاری شرطی، ابزار وادار کردن مدیران شرکت‌ها به افشای اخبار بد و ممانعت از پنهان‌کاری و به تاخیر انداختن شناسایی آنها تا دوره‌های آتی است. لذا با افزایش سطح اعمال محافظه‌کاری شرطی، بیشتر اخبار بد در سود دوره جاری شناسایی شده و احتمال افشای آنها در دوره‌های آتی و کاهش سود آتی کاهش می یابد. نتیجه این پژوهش بر این نظریه که؛ اعمال محافظه‌کاری شرطی برای سهامداران مفید است، صحه می‌گذارد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم نشان داد که بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد درمورد سود شرکت‌ها، با محافظه‌کاری شرطی اعمال شده توسط آنها رابطه‌ی خطی معناداری وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که واکنش بازار به تناسب میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها، متفاوت باشد. یعنی نمی‌توان تایید نمود که چون بازار به صورت‌های مالی شرکت‌های محافظه‌کار اعتماد بیشتری دارد، به اخبار بد آنها واکنش کمتر و به اخبار خوب آنها واکنش قوی‌تری نشان خواهد داد. و برعکس به علت عدم اعتماد به

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

صورت‌های مالی شرکت‌های غیرمحافظه‌کار، به اخبار بد آنها واکنش قوی‌تر و به اخبار خوب آنها واکنش ضعیف‌تری نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش با نتایج به‌دست‌آمده توسط کیم و پزنر (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

۷- پیشنهادات پژوهش

۷-۱- پیشنهادات کاربردی

۱) به دست‌اندرکاران و تدوین‌کنندگان مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری ملی توصیه می‌شود باتوجه به نقش مهم محافظه‌کاری شرطی در کاهش احتمال وقوع اخبار بد آتی، درصورت امکان تدابیری جهت حفظ سطح فعلی اعمال محافظه‌کاری شرطی در صورت‌های مالی بیاندیشند.

۲) به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد که، به شرکت‌های پذیرفته شده الزام نماید تا سطح اعمال محافظه‌کاری شرطی در صورت‌های مالی خود را حفظ نمایند، زیرا حذف کامل اعمال محافظه‌کاری شرطی در صورت‌های مالی می‌تواند زیانبار باشد.

۳) به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی توصیه می‌شود جهت تصمیمات سرمایه-گذاری کوتاه مدت و بلندمدت، در کنار استفاده از ارقام ارائه شده در صورت‌های مالی به روش‌های حسابداری شرکت‌ها از جمله شیوه‌های حسابداری محافظه-کارانه توجه نمایند

۷-۲- پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

۱) آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی

۲) بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری غیرشرطی و احتمال کاهش سود آتی

۳) بررسی وجود یا عدم وجود رابطه‌ی غیرخطی بین بازده غیرعادی و محافظه‌کاری شرطی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منابع:

۱- پورحیدری، امید و کوپایی‌حاجی، مهدی، (۱۳۸۹)؛ "پیش‌بینی بحران مالی شرکت‌ها با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیک خطی"، **فصل‌نامه پژوهش‌های حسابداری مالی**، ش۳، صص۴۶-۳۳.

۲- پورحیدری، امید و غفارلو، عباس (۱۳۹۰)؛" تامین مالی و تغییرات سطح محافظه‌کاری مشروط حسابداری"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۶۶، صص ۲۸-۱۵.

۳- جبارزاده‌کنگرلوئی، سعید؛ خدایاریگانه، سعید و پوررضا سلطان احمدی، اکبر (۱۳۸۸)؛ " بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "، **فصلنامه حسابداری مالی**، ش ۲، صص ۸۰-۶۰.

۴- خالقی‌مقدم، حمید واحمدخان‌بیگی، مصطفی (۱۳۹۰)؛" رابطه محافظه‌کاری و به‌هنگام بودن سود خالص با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۶۴، صص ۱۸-۱.

۵- دستگیر، محسن؛ کریمی، فرزاد و مرادی، امین (۱۳۸۸)؛ " اثر خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات بر کیفیت سود "، **فصلنامه حسابداری مالی** ، ش ۱، صص۵۹-۳۸.

۶- رحمانی، علی؛ اثنی‌عشری، حمیده و ولی‌زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۰)؛ " محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی اقلام صورت‌های مالی"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش۶۴، صص ۷۲-۵۷.

۷- ستایش، محمدحسین وجمالیان‌پور، مظفر، (۱۳۸۹)؛ "بررسی وجود محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصل‌نامه‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز**، ش ۳ ، صص۱۱۹-۸۵ .

۸- عرب‌صالحی، مهدی و ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۹)؛" ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه حسابداری مالی**، ش ۵، صص ۵۶-۳۹.

۹- مران‌جوری، مهدی و علی‌خانی، راضیه (۱۳۸۹)؛" بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و فرضیه قرارداد بدهی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه حسابداری مالی**، ش ۸، صص ۱۱۲-۹۵.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۱۰- مشایخی، بیتا؛ محمدآبادی، مهدی و حصارزاده، رضا، (۱۳۸۸)؛ "تاثیر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود"، **فصل‌نامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۵۶، صص ۱۲۴-۱۰۷.

۱۱- هاشمی، سیدعباس؛ فرهمند، شکوفه و شامیرزائی جشوقانی، ناصر (۱۳۹۰)؛" تاثیر محافظه‌کاری شرطی بر هزینه سرمایه سهام عادی"، **دانش حسابداری**، ش۷، صص ۶۷-۴۷.

12- Basu, S., (1997); "The conservatism principal and the asymmetric timeliness of earnings"، **Journal of Accounting and Economics** 24(1), 3-37.

13- Beaver, W. & Ryan, S., (2005);"Conditional and unconditional conservatism: concepts and modeling", **Review of Accounting Studies**, 10: 269-309.

14- Chan, A.L-C. , Lin, S.W.J. & Strong, N., (2009);"Accounting conservatism and the cost of equity capital: UK evidence", **Managerial Finance**, 4: 325-345.

15- Cullinan, charles,P; Wang , fangjun ; Wang, peng & Zhang, junrui (2012);'Ownership structure and accounting conservatism in China' **Journal of international Accountin and Taxation**, 21: 1-16.

16- Dimitropoulos, P.E. & Asteriou, D., (2009);"Timeliness conservatism and financial transparent firms under the Greek accounting setting", **Review of Account and Finance**, vol 7, no 3: 252-269.

17- Givoly, D. & Hayn, C., (2000);"The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?", **Journal of Accounting and Economics**, 29: 287-320.

18- Hui, kai.wai ; Klasa, sandy & Yeung,P.eric (2012) ' corporate seppliers and customer and accounting conservatism' **Journal of Acconting and Economics** , 53: 115-135.

19- Iatridis, G.E., (2011)"'Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism", **International Review of financial Analysis**, 20: 88-102 .

20- Khan, M. & Watts, R.L., (2009); "Estimation and empirical properties of a firm-yaer measure of accounting conservatism", **Journal of Accounting and Economics** 48: 132-150.

21- Kim, B.H. & Pevzner, M., (2010); "Conditional accounting conservatism and future negative surprises:An empirical investigation", **J. Account. Public Policy** 29: 311-329.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

22- Kung, F-H; Ting, C-W, & James, K., (2008); "Accounting conservatism in greater china: the influence of institution and incentives", **Asian Reviwe of Accounting** 2: 134-148.
23- La Fond, R. & Watts, R., (2008); "The informational role of conservatism", **The Accounting Review** 83: 443-478.
24- Lara, J.M.G. , Osma, B.G. & Penalva, F., (2011); "Conditional conservatism and cost of capital", **Rev Accounting Std** 16: 247-271.
25- Lara, J.M.G. , Osma, B.G. & Penalva, F., (2009); "Conditional conservatism and corporate governans", **Rev Accounting Stud** 14: 161-201.
26- Ramalingegowda, santosh & Yu, yong (2012)," Institiotional ownership and conservatism" **Journal of Accounting and Economics**, 53:98-114.
27- Waats, R., & Zimmerman,J., (1978) "Toward a positive theory of the determination of accounting standards", **The Accounting Review** 53: 112-134.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]